

اخراج کلوب پاشا

در سه ماه پیش که انقلابات بزرگی در سراسر اردن شعله ور گردید و مردم با تمام قوا از پیوستن کشور اردن به پیمان بغداد جلوگیری نمودند مردم و روزنامه ها تا تواما فریاد برآوردند که ((افسران انگلیسی لزیون هربر را خارج کنید))

این احاسر ضد انگلیسی که بوسیله اظهار علاقه دولت اردن به پیمان خاور میانه منسوخ گشود بود چنان زیانه کشید که مردم مصمم گشتند ملت اصلی نفوذ انگلستان در اردن را از ریشه برون آورند و هنگامیکه تظاهرات و انقلابات بزرگ مردم اردن با کمک های مادی و معنوی والبتقا غیر مستقیم کشور سعودی و مصر و شرکت نفت آرامکو در مورد پیمان دفاعی بغداد آن نتیجه عالی را بدست داد و باعث تغییر فوری کابینه موافق پیمان و انگلستان گشت مردم قدم را بالاتر گذارد و تصفیه هر چه زود تر لزیون هربر را خواستار شدند در همین حال فشارهای جالبی بر سلطان و مصریه اردن که در صورت قطع نفوذ کامل انگلستان وعده شد بود با شدت هر چه مما تر خود نمائی میکرد و بهر صورت قدر مردم و پیشنهاد های مزبوریه قدر تر فرسود ما شده انگلستان در اردن که همان نقش آن خصوصاً در لزیون هربر با خبر بودند چربید و نابین گام کابینه جدید دولت اردن با تصویب ملک حسین باد شاه حکم اخراج کلوب پاشا (مرد افسانه) لزیون هربر را که از بزرگترین قسمتهای تحت نفوذ انگلستان بود صادر و با وضع عجیبی بموقع اجرا گذارد.

هنگامی که انگلستان از واقعه خبره لر کردید که کلوب پاشا در فرورد گامنهان قبر مرز زمین نشست و مسلم گردید کسی که سالیان در از حکومت حقیقی اردن را در دست داشت و مهره اصلی جنگ اسرائیل و شکست اعراب بود برای همیشه از کشور و خود اخراج شد بود.

و بالاخره انگلستان که با اعزام نمایندگان مجلسین خود بار دن نتوانست از این هتله بزرگ آبرو بییزی بکاهد و رقبه مردم دست به تبعید ((ما کار بومر)) بزرگترین رهبر مله و وزیر ایرد خاور میانه کرد.

انزجار مفرط تمام ملل جهان بود و روگردانید و در همان حال که کلوبیانما از ملکان انگلستان

نقب (سر) میگرفت پنج افسر دیگر انگلیس در لژیون عربی منتظر خود مستگفتند .

بهر حال تنبیر سیاست امریکا در خاور میانه و همکاری نزدیک مصر - سوریه و عربستان

و شکست فعالیتهای اسرائیل با پشتیبانی انگلستان در محافل بین المللی میوه ای به بار

آورد که برای انگلستان به هیچوجه قابل چشمپوشی نبود !

اینک گذشتما از دست رفتن لژیون عربی و پایگاه مهم دیگر دولت انگلستان در اردن

نیز بخاطر افتاده و هرگاه این دو پایگاه نیز بسر نوشت (مرد افسانه) لژیون عربی

در چارگرد از کلیه پایگاههای این دولت در خاور میانه یعنی ترعه سوئز - هندوستان

مرو و یمن و قبرص فقط آخری آنها با وضع اقتضای باقی میمانند .

بهر حال این اوضاع جریانات برای ما مناسب است در جوی ینکامپراطوری کهنها را نوید میدهد

که بهر وضعی چاراستاز قوانین تاریخ ملت ایران نوید میدهد - ملت ما هر روز پیش از پیش بیدار

و بهر نوشت خود ملاحظه میگردند و اعلام ختم بندی از انستمار هر لحظه نزدیکتر میشود .

دهم فروردین ماه ۱۳۳۰

سخنگوی ستاد رهبری

حزب ملت ایران بر بیتیما د پانایرانیم

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

ساعت ۱۰ صبح روز جمعه گذشته سر قهر مبارز و دلیر ما داریوش فروغی جرم و وطن پرستی و جنگیدن

با دشمنان شناخته شد ملت ما از طرف حکومت نظامی بازداشت و در سیاه چالهای -

قرون وسطائی تحت فشار میبایند .

ما ضمن ایثار درود گرم و آتشین خود باین سرور بزرگ و مبارز - مبارزه خود را همچنان

دنبال میکنیم و بی ترس از هرگونه فشار و شکنجه راه خود را ادامه میدهیم اطمینان

داشته باشیم پیروزی از آن ما است .

بحرین

و
پیمان دفاعی خاورمیانه

یکی از مهمترین مسائلی که جنبه بین المللی بخود گرفته و تا کنون هیئت حاکمه ایران خود را نسبت بآن بیگانه و بی اعتنا نشان میدهند مسئله قیام مردم بحرین علیه استعمارگران انگلیسی و نقشی که دول عضو پیمان بغداد در این جریانها بعهده گرفته اند.

قیام هموطنان بحرینی ما که از مدت قبل از مسافرت سلوین لوید وزیر خارجه انگلیس باین جزایر بصورت اعتصابات دامنه دار و تظاهرات خونی شروع شده بود و در روز ورود وی که برای شرکت در کنفرانس دفاعی جنوب خاوری آسیا و هنگام عزیمت بکراچی در بحرین توقف نموده و با شیخ بحرین ملاقات و مذاکره نموده بود با وجود مدت خود رسیده و مردم این ناحیه از میهن ما با مبارزات جانانه و خونین خود توانستند مقدمات خشم و نفرت خود را از تسلط غاصبان انگلیسها بجهانیان افلام دارند.

برای درک حقا یقی چند مسائل زیر شایان توجه است :

تظاهرات خونینی که در این روزها بصورت گرفت و در نتیجه مداخله پلیس مسلح انگلیسی و پاکستانی منجر به کشته شدن ده های از عمال شیخ و مردم رشید بحرین و از بین رفتن صد ده خانه و کارگاههای مخالفین الط قی بحرین بمیهن خود ایران شد فرصت مناسبی ب ماجراییان حکومت بغداد و قاهره که هر دو بوضع مضحکی داعیه رهبری ملل عربزبان را در دهخیزهای خود می پروراندند داد که در این مسئله حیاتی موبوط به میهن ما بمبارزه برخاسته و سرکدام بنفع خود به تظاهرات و تبلیغات دامنه داری دست بزنند.

مقارن همان زمان که شیخ غاصب بحرین پیامر خون خدمتی و اظهار عبودیت و بند پرانی

خود رزیرط رجه انگلیس بد ریانت لقب «^آ سهر» مفتخرین گردید و در حالیکه
 حکومت تازه با بناء دادن عهد الرحمن البکری ایجاد دفتر (بحرین آزاد) را در خلیج
 عربی و تهیه قانون اساسی برای این کشور نوظهور اعلام میداشت و تبلیغات رادیویی
 بدای عرب دولت انگلیس را و ادراک اعتراضهای بیابانی مینمود دولت هم کوشش با عراق
 اقدام با اعزام نیروهای مسلح برای حفظ صلح در بحرین نمود و نظیر تمام دنیا را متوجه این
 شد اما از خلیج فارغ ننموده است در تمام این مدت و این جویانان دولت کودتا با شکوت -
 مرتباً رشود مالکیتایران را بر این جزایر رزیر خیز هم نفعی نمودند .
 و قاحت دول عربی را در ولعیر عرب مانند پاکستان که با کشتار و حشیا نه روز بیستم اسفند
 بدست پلیس این کشور در صورت گرفت تکمیل تر نمود و برای اولین بار نتیجه وجودی پیمان
 بداد را بجهانیان نشان دادند . تا آنجا که وظیفه مقدم را حفظ صلح خاور میانه
 تبدیل به مبارزات جدیدی مظهر طغیان کشورهای بر سر مالکیت بحرین گردید و بالاخره خیرط
 انگلستان که منافع خود را در این جزایر خطر میدید با اعزام هواپیما بموتجات جنگی و سربازان
 هم پایگاههای مالت و عدن و قبرص به بحرین برده در این (کمدی تاثر آوری) و بازیگری
 سید . در مقابل این اقدامات هم پیمانان دفاعی خاور میانه سکوت مگر بحال حکومت کودتا
 به افکنده و هیئت حاکم ایران که در گذشته با ارسال یادداشتهای مضر موشه بدیارات
 ترالی که همیشه تکرار مکررات سابق و در ظاهر جنبه عوام فریبانه خود را حفظ نمود این بار
 با سکوت خود منتهد اعمال این دولت را در گوشه ای از خاک همین مانتی ننموده است بلکه
 وسیله اراجینگی که در روزنامه های دولتی منتشر مینمایند آنرا تایید مینمایند .
 عیاتی که همزمان تشکیل و همین کنفرانس پیمان بداد صورت میگیرد تحول جدیدی برانمود
 میت هد تحولی که ممکن است با اقدامات خود تا پیمان منجر به قانع نمودن کامل دولتایران از این
 جزایر برای (حد اقل) مدت طولانی دیگری گردد و این همان عدیعی است که پیمان مزبور
 منتهد برای بحرین بلکه برای تمامیت ارضی تمام مبین ما با رمعان آورده است .
 اینان داریم تنها اقدامات نا سیر و نالیستهای ایران است که میتواند باین (کمدی -
 تاثر آوری) خاتمه دهد آینده ای که زیاد هم دور نیست .

۱۳۳۵ / ۱ / ۱۸

سخننگوی ستاد دستور

حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

گزاره خبرها
شماره ۶ از سال نهم

فرانسه و نهضت ملی الجزیره

بیش از دو هفته است که موحن ترن و وحشیانه ترین نبرد های تاریخ بشریت در کوهها
سرزمین الجزیره در شمال افریقا جریان دارد . نبرد بین نیروهای امریعی استعمار و
نیرویی که بخاطر آزادی پیا خواسته اند - نبردی که در میان خون و آتش آن فریاد آزادی
ملی بگوش می رسد و هر روز صد ها جوانان وطن پرست این نواحی را بخون و خاک میخیزانند
آیا این کشتارهای خونین کی خاتمه خواهد یافت ؟ آیا ملتی که هر روز بیش از ۲۰ و ۳۰۰۰
از زنده ترین و ارزنده ترین افرادش را بدم گلوای های جانسوز سربازان فرانسه میفرستد
ساکت خواهد نشست ؟ سئوالی است که آیا ملتی که تا این بایه برای آزادی خوش
صم است در مقابل وسائل صنعتی دشمن روح آزادی خود را از دست خواهد داد ؟
و بالاخره آیا ماده بر روح و معنویات پیروز خواهد شد ؟
عملیات فرانسه در شمال افریقا تلاش مذبحخانه ای است که کوشش کثیفی است که هرگز
به توجه نخواهد رسید . تا آنجا که بر ر الجزیره مرد هست جنگ هم هست و این جهان
بازها ...

نبودی که امروز باین صورت مدحش در آمده است از بیایا پس کم و بیش با ترورهای
شدید و آتش سوزیهای بسیار شروع شده است تا جایی که امروز دولت فرانسه مجبور
گردیده است پس از نیمی از ارتش خود را برای مقابله با آزادیخواهان شمال افریقا
به الجزیره گسیل دهد .

عملیات و حمله های نظامیان فرانسه در این منطقه توجه تمام محافل سیاسی دنیا را
بنود معارف داشت تا جاییکه یکی از سنا ترورهای آمریکا در مجلس ملی آن کشور
از دولت سؤال شدیدی نمود و با فریاد خود از دولت خواست تا در باره این که آیا

اسلحه ای را که امریکا بفرانسه برای حفظ آزادی خویش می پخشند باید برادگنهار
بین رخنانه مردم الجزیره بمصرف برسد ؟

و دول عرب مخصوصا مصر و سوریه از بدو شروع مبارزات شدید از آزاده خواهند — ان
دفاع نموده و حتی مسئله الجزیره را به سازمان ملل متحد کشانند که در آن نمایندگان
فرانسه بعنوان اینکه (الجزیره یکی از استانهای فرانسه است) بهش راجع بآن را —
مسکوت گذارند . امروز تنها کشوری که دولت فرانسه را در خفه کردن اثر حاصله
مردم اتریش یاری مینماید دولت انگلیستان است که یکسخت دولت مزبور را در تقصیر
الجزیره شکست فاحشی برای خود بخصوص در مورد مسئله قبرص میداند

مخالفتیکه امروز با عملیات نظامی فرانسه در خارج از این کشور از طرف کلیه ملل جهان
ابراز مینماید بداخل این کشور نیز سرایت نموده و چنانکه ژنرال سارتر —

فلسوف و نویسنده مشهور فرانسه در مقاله (تان مدرن) با پارسی ضمن مقاله

چسوی راجع به سیاست دولت فرانسه در الجزیره چنین مینویسد ((عجیب است که

ردمانی پیدا میشوند که مدعی هستند مینند مین ما کشور الجزیره را آبیاری کرده اند این

دوروز بزرگ است زیرا مینند بین ما فدا اراضی فتود الهامی فرانسه را آباد نمود میند —

راجع به راههای شوسه که در الجزیره ایجاد شده مگر نه اینست که این راهها املاک —

انسویان را به یاد گانهای نظامی متصل مینماید ؟ تا بتوانند بموقع زکمه ژاندارمها و سربازان

بهره مند شوند — آیا عجیب نیست که به مسلمانان حتی بکار بردن زبان —

ادیشان را ممنوع ساخته ایم (۰)

مهرحال نبرد بخار آزادی ادامه دارد . . . ادامه دارد تا سرحد بروزی . . .

شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۵

سخنگوی ستاد دست

حزب ملت ایران بر بنیاد پیمان ایرانچهرم

اکنون که بار دیگر بخش (ک و ن) ستاد دستور میتواند گزاره خبر هسارا در دسترس وابستگان و سازمانهای حزب قرار دهد جناب دارد که در نخستین گزاره بررسی کوتاهی از اوضاع سیاسی جهان ملتها و ایران ما بعمل آید .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

بنیاد اندیشه ما سیر نالیسم بر این پایه قرار گرفته که در پهنه گیتن همدانی برای سرافرازی و برتری خود کوشش میکند و تنها ملتبهائی روی آزادی و آبادی را می بینند که در نبرد پایان تا پذیر هستی از حقوق خود با نیرومندی و قدرت دفاع کنند - با اینهمه نباید فراموش کرد که در دنیای امروز سرنوشت ملتبهاتا اندازه زیادی بیکدیگر پیوستگی دارد و حفظ استقلال ملی و شرایط کنونی جهان جز با استفاده از برخورد منافع ملتبهاء بهره برداری از تضاد سیاسی استبهائی استعماری باتکای نیروی مشکل همدانی برای هیچ ملتبهائی میسر نیست .

بدینگونه باید گفت که ما برای بررسی آگاهانه اوضاع سیاسی کشور خود به مطالعه دقیق واکنشهای سیاسی جهان نیاز داریم و برای آسان کردن نایسن بررسی که پیش در آمد گزاره خبرهای ما در آینده میباشد یک توجه کوتاه به سایر گونیهائی و نقشه های که در صحنه های گوناگون سیاست جهان وجود دارد مارا در نقشه تفسیر پیش آمده های جدید رهمنون خواهد بود .

۱- در قلمرو امپراطوری روسیه یعنی در کشورهای شرقی که حامداره متحد کمونیستی هستند پس از تحولاتی که در آخرین کنگره حزب کمونیست روسیه رخ داد و در نتیجه بت تراشان دیروز بت شکنان امروز از آب در آمدند و برای عوامل روسی بیشتر مسئله رهبری دسته جمعی در داخل اجزاب کمونیسم پوش کشیده شد انتظار دیگرگوئیهای جدیدی میرفت و این انتظار هم بزودی برآورد شد و بدنبال تغییر روش رهبران روسیه اجزاب کمونیسم کشورهای آنان از برده آهنگین برای خود استقلال بیشتری حاصل کردند و ملت‌های هم که وق بندگی استعمار سوخ را بگردن گرفته اند فرصت خود نمایی یافته و حتی در چند قسمت دست با انقلاب زدند و مظهر باید دانست که این تحولات هر بیکر غول آسای قدرت نظامی و سیاست استعماری روسیه ضربه ای وارد نکرده و بدون شک چنانکه روسیه جدید در پیش بودن نظریات سیاسی روسها سر دمند نیافتد بازگشت سیاست شورشیست آموز قدیم حتی با توجه بر رهبری دسته جمعی و جلوگیری از دیکتاتوری فردی کار ساده ای است .

۲- در کشورهای بلوک غرب که بعبارت دیگر میتوان آنها را استعمار میانه خواند دولت امریکا میگو شد که مانند گذشته بازار مبارزه با کمونیسم را کم نگا ندارد و چون سیاست انگلستان مانند همیشه در صدد جلب ملت‌های بیشتری برای خود میباشد و از طرف دیگر میل ندارد که در همین نقطه جهان از خارتگری

خود دست برداشته یا لا اقل سهم قابل توجهی به پیکاران امریکائی بدهد
 اختلافاتی میان سیاست امریکا و انگلیس در چند مورد است که گاه و بیگاه خود —
 نماند میکند و در ماههای اخیر بارها دیده شده که سیاستمداران انگلیسی
 با دست نشانندگان آنها در کشورهای خاورمیانه و خاور دور بر خلاف منافع
 استعماری امریکا اظهار نظر کرده اند که در باره ای موارد کار بجای پاریس
 کشیده ولی باید دانست که در شرایط کنونی بدون انتخابات ریاست جمهوری
 امریکا در پیش است سیاستمداران این کشور ناگزیر از دنبال کرده یکروسیه
 کج دار و مریز میباشند و انتظار هرگونه تحول در دنیای غرب را باید پس
 پایان این انتخابات که تا چند ماه دیگر انجام میشود موکول کرد .

۲- در کشورهای آزاد که بشرق و غرب بستگی شدیدی ندارند و در حقیقت نرس
 ایجاد بلوک سوم بمنظور نزدیک کردن آنها پدید آمده دیگرگوئیهای جدیدی
 رخ داده که مهمترین قسمت آنرا کنفرانس سه جانبه (نهر - ناصر - تیتو)
 تشکیل میدهد و اعلا میباید بخشش که این سه مرد ناسیونالیست در پایان
 گفتگوهای چندروزه خود صادر کردند نشان میدهد که آرزوی تشکیل بلوک
 سوم جامه عمل پوشیده و هم اکنون گروهی از ملت های جهان برای ایستادگی
 در برابر مطامع استعمارگران شرق و غرب متشکل شده اند و امکان دارد که
 در آینده نزدیک کشورهای دیگری باین نیروی مستقل به پیوندند .

در این گیر و دار هیئت حاکمه ایران که در بست خود را با متعماران انگلیسی
و یاران امریکائی آنها فروخته با وحشیانه ترین روش بر ملت ما حکومت میکنند
غافل از اینکه عوامل بین المللی که باعث بازگشت این دستگناه گند زده پسران
حکومت خود پندیده روشنی ندارند و امکان برخورد ناگهانی منافع استعماری -
دولت‌های بزرگ و پیشرفت روز افزون بلوک ملت‌های آزاد که خواه ناخواه پناهگاه
جنبش‌های ناسیونالیستی خواهد بود در نمای امید بخشی در برابر مبین -
پرستان ایرانی قرار داده و دیرپایزود بساط پیدادگری هیئت حاکمه با -
طوفان حوادث درهم ریخته با آتش خشم ملت خواهد سوخت.

شنبه ششم مرداد ماه ۱۳۳۵

سخنگوی ستاد دستور

حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

در آغاز هفته گذشته جمال عبدالناصر قهرمان ملی مصر که خود

داری امریکار انگلیس از دادن کمک برای هزینه ساختمان سد آسوان وی را

سخت خشمگین ساخته بود بطور ناگهانی شرکت اداره کننده کانال سوئز را

ملی اعلام کرد و ضربه دولتی بر پیکر امپریا لیسم خون آشام انگلستان و

دیگر همکاران او وارد آورد.

کانال سوئز که قاره افریقا را از آسیا جدا میسازد و دریای سرخ را بدریای

مدیترانه می پیوندد برای ملت مصر تاریخچه ای خونین داشته زیرا نخستین

بار هنگامیکه داریوش یکم پادشاه نامدار ایران بجهانگیری پرداخت برای

رساندن نیروی دریائی خود بکناره شای یونان و مصر فرمان کندن آنها داد و

پس از سالها ویرانی یکی دیگر از مردان برجسته تاریخ یعنی تا پلئون بزرگ

برای راه یافتن به هندوستان در صدد دوباره کندن آن برآمد و سرانجام

پکتفر فرانسیوی نیام فردیناند لولسپس در سال ۱۸۵۴ امتیاز حفر آنها گرفت

و پس از کوشش فراوان موفقیت بدست آورد و بدینگونه بنای پای استراری

برای فرانسه در مصر باز کرد ولی استعمار انگلیس که سخت از پیشرفت

رقیب بیمنان بود بیکار نشسته و چند سال بعد از نادانی اسمحیل با شک

خدیو مصر استفاده کرد و سهام دولت مصر را خریداری کرد و در سال ۱۸۸۲

نیز به بهانه خواباندن شورشهای داخلی کانال سوئز و سپس سراسر مصر را

اشغال کرده و از آن هنگام تا کنون این کانال بر سرود سرچشمه پایان و آمد
کناره نشینان آرمند تا یمز و دیگر غارتگران جهان خوار گردید .
اکنون دولت انقلابی ما صوبه پیروی از خواسته های نا سیر نا لیستی ملت مصر
پایین غارتگری تاریخی پایان داده و کانال سوئز را که به نیروی کار زادگان دره
نیل حفر شده ملی کرده است و بار دیگر فریاد و فغان رویاه زخم خورده استعمار
را با آسمان برده و یاد پرافتخار ملی کردن نفت ایران را در دلها زنده کرده
نموده است .

خوب پیدا است که این رفتار دلبرانه نا صر تا چه اندازه استعمارگران غربی
را دوباره ناراحتی کرده ولی پیش آمده های هفته گذشته نشان میدهد که تنها
چاره آنها در شرایط کنونی همان است که عبدالناصر گفته یعنی دولت غربی
((باید از فرط عصبانیت خفقان بگیرند !)) زیرا با توجه با وضاع و احوال
خاورمیانه و پشتیبانی آشکاری که دولت روسیه از مصر مینماید و همچنین روسیه
نرس که کاخ نشینان واشنگتن معنا سبت نزدیک بودن انتخابات ریاست جمهور
در پیش گرفته اند امکان اقدامات تعد نظامی بر علیه مصر را از بین برده و
بفرهی آنکه اقدامات انگلستان و فرانسه و بدنبال آنها امریکا دست بکار دیوانه
واری بزنند و برای خفه کردن ملت مصر لشکر کشی نمایند زبان آنها نه تنها
بملت مصر که آماده دفاع میباشند از منافع خود میباشد نخواهد رسید بلکه
دنیا در آستانه جنگ سوم جهانی که پایان آن چندی روشن نیست قرار خواهد
گرفت .